

سُورَةُ الْحَاقَّةِ ٦٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

الْحَاقَّةُ

﴿١﴾

بود حقّ مطلق همان یومِ دینِ قیامت بگردد به پا بالیقین

مَا الْحَاقَّةُ

﴿٢﴾

بود حقّ مطلق یقیناً چه چیز؟ به وقتی که یابد ظهور رستخیز

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ

﴿٣﴾

چه ادراکی داری زِ روز قیام؟ چگونه شود واقعه حدّ تام؟

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ

﴿٤﴾

بکردند تکذیب زِ جهل و عناد ثمود و سپاهش و هم قوم عاد

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

﴿۵﴾

ثمود و سپاهش بگشتند هلاک ز طغیان برفتند در قعر خاک
وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ

﴿۶﴾

و اما هلاکت چشید قوم عاد ز طوفان صرصر برفتند به باد
سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أُعِجَزُوا
نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

﴿۷﴾

وزید باد سختی بسی سربه‌سر و هشت روز و هفت شب همی
مستمر
تو گویی که اجسادشان اجمعین به مانند خشکیده نخل بر زمین
فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ

﴿۸﴾

تو بینی ز آن جمع ناباوران؟ بمانده اثر باقی اندر جهان؟
وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ

﴿۹﴾

و فرعون و اقوامی نیز قبل آن نمودند خطایا به حدّ گران
فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمُ أَخَذَةً رَّابِيَةٍ

﴿۱۰﴾

مخالف بگشتند به پیغمبران رسولانِ برحقِ خود آن زمان
خدا هم فرستاد بر آنها عذاب به خشمی فزاینده بهرِ عقاب
إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

﴿۱۱﴾

به وقتی که طغیان بورزید آب به کشتی نشاندیمتان زان عذاب
لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ

﴿۱۲﴾

که یابید تذکر و پند و امید فقط گوش دانا تواند شنید
فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ

﴿۱۳﴾

به وقتی که نفخه درآید به صور به یکباره یابد قیامت ظهور
وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

﴿۱۴﴾

شود کنده کوه‌ها، زمین نیز تُرد به یکباره در هم شده، گشته خُرد
فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

﴿۱۵﴾

در آن روز، واقع بگردد ز حق قیامت که موعود بود از سَبَقِ
وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ

شکافد همی آسمان از میان شود رفعتش مُضمحل آسمان
وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ

ملائک به هر گوشه از آسمان بگردند آماده‌باش بالعیان
نگهدارِ عرشِ خدایت به گشت و تعداد ایشان بود نیز هشت
يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

همان روز که حاضر شوید با کتاب نمائد خفی کارتان در حساب
فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَأُوا كِتَابِيَهٗ

هر آن کس کتابش دهند دست بگوید بخوانید بیکم و کاست
راست
إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ

چو باور مرا بوده از این حضور که آید به روزِ حساب در ظهور
فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَهٗ

بماند هم این بنده در عیش و ناز رضایت چو دارد ز او، کارساز

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

﴿۲۲﴾

به جَنّاتِ عالی، بهشتِ برین مقامیست از بهرِ این مؤمنین

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ

﴿۲۳﴾

به دسترس بود میوه‌ها در حضور به هر قدر بخواهند باشد وفور

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

﴿۲۴﴾

خورید و بنوشید هم، نوش جان! که این هست حاصل ز اعمالتان

ذخیره فرستاده‌اید باامید چو داشتید باور بر این سررسید

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهُ

﴿۲۵﴾

و هر کس دهند دست چپ را کتاب به روز قیامت به وقت حساب

بگوید که ای کاش! آن مُمتحن نمی‌داد کتاب مرا دستِ من

وَلَمْ أُدْرِ مَا حِسَابِيَهُ

﴿۲۶﴾

و آگاه نمی‌گشتمی از حساب در این روزِ عدل و به روزِ عِقاب

يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ

و ای کاش! تمام می‌شدی با ممت حسابی نمی‌بود بعد از حیات
مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ^س

دریغا! که اموال من بی‌حساب نبخشید سودی به روزِ عِقَاب
هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ

فنا گشت و نابود شد حشمتم به روزِ جزا سخت در محنتم
خَذُوهُ فَعْلُوهُ

بیاید خطابی که گیرید او به غُل و به زنجیر از زیر و رو
ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوْهُ

که تا در جهنّم بگیرد قرار چنین است فرجام آن نابکار
ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

به زنجیرِ هفتاد ذرعی به بند به آتش درافتد همان آزمند
إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

﴿۳۳﴾

چو ایمان نیاورد در روزگار عداوت بورزید به پروردگار
وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ

﴿۳۴﴾

نخواند بر سر سفره‌اش یک گدا که باشد به رغبت ز بهر خدا
فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ

﴿۳۵﴾

لذا اندر این روز و این دادرسی نیاید بر او هیچ فریادرسی
وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينِ

﴿۳۶﴾

غذایش نباشد به جز چرک پست و غسلین نام چنان لقمه هست
لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ

﴿۳۷﴾

تناول نیارد کسی زان طعام مگر اهل دوزخ به صبح و به شام
فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

﴿۳۸﴾

قسم بر هر آنچه که بینید شما ز آثار ظاهر که هست رهنما
وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

قسم بر هر آنچه که باشد به غیب نبینید شما هیچ، بی‌شک و ریب
إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

که آیات و این‌سان دروس و پیام همه هست کلام از رسولِ گرام
وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ

نباشد ز یک شاعری این بیان شمارِ کمی آرید ایمان به آن
وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذْكُرُونَ

ز غیبگو و کاهن نباشد سخن چو آیات باشد از آن ممتحن
گروهی قلیل و بسی ارجمند تذکر بیابند ز این گونه پند
تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

نزول یافته قرآن و آیاتِ آن ز ربِّ دو عالم، خدای جهان
وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ

اگر که دروغ بافت رسولِ خدا پیامش فقط بود بس افترا
لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

﴿۴۵﴾

به قهری که بر او در اینجا رواست همو می‌گرفتیم با دستِ راست
ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

﴿۴۶﴾

که قطع می‌نمودیم رگ‌های او چنین می‌نمودیم بی‌گفتگو
فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

﴿۴۷﴾

نداشتید شما قدرتی بر دفاع ز اجرای امری که بوده مُطاع
وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

﴿۴۸﴾

وَ قرآن و آیاتِ آن اجمعین تذکر و پند است بر متّقین
وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ

﴿۴۹﴾

مُحَقِّق بود این‌چنین نزد ما که تکذیب نمایید بعضاً شما
وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

﴿۵۰﴾

و تکذیب که آرند آن کافران شود مایه‌ی حسرتِ جاودان
وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

﴿۵۱﴾

و باشد حقیقت در اینجا یقین بود حقّ محض، جمله آیاتِ دین
فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

﴿۵۲﴾

به تسبیح درآور نامِ خدات که باشد عظیم، خالقِ کائنات